

روز زن امسال را به سرآغاز مبارزات متحدانه تبدیل کنیم

۸ مارس، روز زن امسال را به سرآغاز مبارزات متحدانه برای کسب حقوق دموکراتیک خود بر علیه جنایات و خشونت های دولت سرمایه داری نسبت به تمام اقشار تحت ستم اعم از زن و مرد تبدیل کنیم.

هرج و مرج دیوانه کننده ناشی از ستم:

۲۸ سال است که حاکمان جمهوری اسلامی از هیچ گونه جنایت و خشونت برای سرکوب حقوق دموکراتیک زنان ایران دریغ نکرده اند. اعمال قوانین وحشیانه ای مانند سنگسار زنان و دختران به حکم دادگاه به علتی مانند داشتن روابط "نامشروع" و دستگیری، زندانی و شکنجه ی آنان به علتی نظیر "بدحجابی"، نداشتن کوچک ترین حقوق انسانی اولیه در مقابل نیروهای سرکوب دولت شامل توهین از جانب آن ها تنها به دلیل زن بودن و یا در اردوگاه کار نظام سرمایه داری حاکم به علت تبعیض جنسی از بی حقوقی هر چه بیش تری آسیب دیدن، امروز تأثیرات مادی و روانی خود را بر جامعه ی ما گذاشته است. تأثیر اجتماعی نزدیک به سه دهه تحمیل شدید خشونت های ممتد بر زنان در جامعه با تکیه بر تعصبات مذهبی و سنتی متداول، به همراه وجود ستم های طبقاتی اقتصادی بر اقشار تحت ستم اعم از زن و مرد، هرج و مرج، گيجی و بیماری های روانی بیشماری را در میان زن و مرد، کودک و

جوان و پیر جامعه ی ما به وجود آورده است و تنها کسانی که از این وضعیت به طور مستقیم بهره می برند، طبقه ی حاکم و اقشار ممتاز وابسته به آن هستند.

فقر و گرسنگی مفرط خود و نظاره ی چهره پریشان کودکان با شکم خالی که ملتسانه به بزرگ ترهای خانواده می نگرند، سرانجام به فروش این کودکان انجامیده تا شاید شکم خالی همه ی افراد خانواده، لااقل برای مدتی هر چند کوتاه پر شود. دختران جوان برای کمک به آوردن لقمه نانی به سفره ی خانواده ی حاضر به تن فروشی شده و مادران، بخصوص زنانی که سرپرست خانواده هستند، با روسپیگری سعی در تأمین ابتدایی ترین نیاز انسانی خود و خانواده اشان می کنند.

در هرج و مرج و تضادهای اخلاقی ای که حکام بر جامعه تحمیل کرده، در کنار به فروش رساندن دختران نوجوان و تن به روسپیگری دادن زنان، باعث قتل های ناموسی صدها زن به دست مردان خانواده شده است.

از طرفی مردان نان آور خانواده، با سری افکنده، اخراج ها و بیکاری ها را تحمل کرده و فروپاشی ارزشی انسانی خود و خانواده اشان را نظاره می کنند. حتی شاغلین در جامعه ی ما از آسایش نسبی برخوردار نیستند، زیرا که حتی آنان نیز به جهت دریافت نکردن دستمزدهای خود، دائماً در تلاطم ناامنی های زندگی روزمره بسر می برند.

از طرف دیگر جوانان اقشاری از جامعه که اندکی بالای خط فقر زندگی می کنند، با ادامه تحصیل دادن، می کوشند تا شاید از این طریق بتوانند با چالش های دنیای امروز بهتر مبارزه کنند و امیدوارند که بتوانند خود و خانواده اشان را از درون منجلاب اقتصادی ای که سیاستمداران طبقه حاکم بر

آنان تحمیل کرده اند، بیرون بکشند. اما پس از فارغ التحصیلی است که متوجه می شوند پس از این همه، تنها امتیازشان این است که به جرگه ی بیکاران "تحصیل کرده" یا با "مدرک" پیوسته اند.

این همه بحران های اجتماعی که انواع و اقسام دردها را با خود به همراه دارد، تنها ناشی از ستم اقتصادی است که طبقه ی حاکم برای حفظ خود و منافعش بر توده های تحت ستم پیاده کرده و در نتیجه، از جمعیتی حدود ۶۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری که تقریباً نیمی از آن را زنان تشکیل می دهند، حدود ۲۶ درصد زنان و حدود ۱۵ درصد مردان دچار بیماری های روانی می باشند.

در شرایطی که به اذعان آمار رسمی کشور، ۱۰ میلیون بیکار وجود داشته و ۱۰ میلیون از جمعیت کشور زیر خط فقر و ۸ میلیون زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند و خانواده هایی که تحت سرپرستی زنان بسر می برند، از فقیرترین فقرای ایران هستند، ناراحتی روحی یا افسردگی که سهل است، باید به قدرتشان غبطه خورد که بیش از این ها دیوانه نشده اند!

قدرت مقاومت ...و نیاز به انگیزه

اگر چه هر انسانی که در طول زندگی به طور مداوم تحت فشارهای غیرعادلانه عینی و واقعی قرار گرفته باشد، در مقطع/مقاطععی از این زمان ممکن است (یا به احتمال قوی) دچار افسردگی بشود (یا می شود) و حتی در مواردی ممکن به خودکشی منجر شود، ولی در طبیعت انسان، این از جمله موارد استثنایی بشمار می آید.

اکثر انسان ها در برابر فشار، بخصوص فشارهای غیرطبیعی و غیرعادلانه، نه تنها خود را نمی بازند که بالقوه به نیروی مقاومتی شکست ناپذیری تبدیل می شوند، بالاخص اگر برای آن انگیزه داشته باشند.

سال ۱۳۸۵، نمونه سالی مملو از این مقاومت، با انگیزه ی دفاع از آن چه حق ابتدایی انسان می باشد، بوده و گویای شکست ناپذیری ذاتی است در جستجوی عدالت؛ عدالتی که در بهترین حالت خود می تواند تنظیم کننده ی روابط بین انسان ها و بین انسان با سایر عناصر طبیعت بوده و سلطه مبتنی بر منافع کنونی قشر ناچیزی از انسان را (که منجر به نابودی انسان های دیگر و طبیعت گشته است) به سیادت قشر پهناوری تبدیل کند که منافع خود را در حفظ و رشد منافع انسان های دیگر و در ادامه سالم حیات عناصر موجود در طبیعت می بیند.

علاوه بر مبارزات روزانه تک تک زنان ما در خانواده، در کوچه و خیابان، در محل کار بر علیه فرهنگ زن ستیزی که در جامعه رواج داشته و به امری عادی در آمده است، زنانی چند در دادگاه های رژیم با بیدادگری های دستگاه قضایی در مبارزه بوده اند. فراتر از این، زنان ما شکست ناپذیری خود را در تجمعات خود به مناسب روز زن در تهران، رشت و...به نمایش گذاشته و ضعف رژیم حاکم را با حمله ی وحشیانه عمالش به اثبات رساندند.

اهمیت مسأله اما در این جا است که مبارزات پی در پی زنان ما تنها به موارد آمده در بالا یا نمونه های مشابهی منتهی نشده و قدرت مقاومت آنان را می توان در مبارزات دموکراتیک دیگری هم جستجو کرد که نشانگر عمق مبارزه بسیار قدرتمندتری از مبارزات به اصطلاح فمینیستی است؛ مبارزاتی که از دل ستم طبقاتی بر خاسته و زن و مرد و کوچک و بزرگ نمی شناسد.

این مبارزات که خواه ناخواه انگیزه ی برچیده شدن ستم انسان بر انسان را در دل می پروراند، اگر چه مورد حمله ی شدید و سرکوب بیرحمانه ی رژیم قرار می گیرد، ولی نیروی بالقوه ی آن نابودی نمی پذیرد و در شکل دیگر بیرون می زند.

برای مسائل به نمونه هایی چند از این مبارزات اشاره می کنیم. تنها در ماه خرداد گذشته:

۱- مبارزات گسترده در دفاع از زندانیان سیاسی. در این مبارزات زنان پا به پای مردان حضور داشته و آزادی زندانیان سیاسی را به موازات مبارزات رهایی بخش خود، قدمی به جلو می دیدند. در این مبارزات زنان و مردان ما به یک نسبت مورد حمله پلیس رژیم قرار گرفتند.

۲- اعتراض دانشجویان دانشگاه ها به "پادگان" شدن دانشگاه ها در تهران و تبریز. در این مبارزات که در روزهای اول و دوم خرداد به اوج خود رسید، زنان جوان دانشجو همواره از پیشگامان آن بوده و در شورش ها و تحصن ها شرکت داشته و تا پایان ایستادگی کردند.

۳- ۱۴ خرداد، لباس شخصی ها به دانشکده ی حقوق حمله کرده و با فریاد "این جا پادگان است" به دنبال یافتن دانشجویان تحت تعقیب افتادند. دانشجویان در اطراف دانشگاه به مبارزه بلند شدند و با نیروهای پلیس به درگیری کشید.

۴- ۲۲ خرداد، تجمع زنان مبارز ما در میدان هفت تیر با سرکوب شدید پلیس زن و شلیک گاز اشک آور مواجه گردید. در این تجمع کانون دفاع از زنان و کودکان ایران شعار "کار، مسکن، آزادی" می دادند.

باز هم فراتر، این که مبارزات امسال زنان ما در حد دفاع از حقوق دموکراتیک زنان یا جوانان و دانشجویان ختم نشده و درخشش خود را در مبارزات زنان کارگر در طول مبارزات کارگری هم حفظ کرد. در اردیبهشت و خرداد گذشته:

۱- تظاهرات روز کارگر با شرکت زنان و مردان کارگر، نشانگر جبهه ی متحد ستمکشان در برابر ستمگران بود.

۲- آغاز مبارزات رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران. در این مبارزات که کماکان ادامه داشته است، همسران رانندگان مبارز، همواره قدرت، شجاعت، شهامت و استواری خود را در پشتیبانی از همسران دستگیر شده خویش به نمایش گذاشته و علیرغم تمام مشکلات مادی اشان که در این دوران صد برابر شد، در برابر رژیم کوچک ترین ذره ای خم نشدند.

از انگیزه ... به توان بالفعل

در جمع بندی از نکات بالا می توان گفت که زنان (مانند مردان) در هر جامعه ای وجه مشترک تمام طبقات و اقشار هستند. به عبارت دیگر هر قشر و طبقه ای در جامعه از زنان و مردان آن ساخته شده است. پس مبارزات زنان در دفاع از حقوق دموکراتیکشان در پیوند و به موازات با مبارزه برای دیگر حقوق دموکراتیک است. مبارزه بر علیه تبعیض جنسی و قوانین زن ستیز، ماهیتی مشابه با مبارزه برای "کار، مسکن، آزادی"، با مبارزه برای حقوق عقب افتاده کارگران، با حق آزادی بیان دانشجویان در دانشگاه و... دارد. در جامعه ی طبقاتی نظام سرمایه داری، تمام اقشار تحت ستم، دارای یک وجه مشترک هستند و آن "تحت ستم" بودنشان است. در جامعه ی طبقاتی نظام

سرمایه داری که دیکتاتوری و خفقان حاکم است، هرگونه مبارزه ای بر علیه این "ستم" با خشنونت از طرف رژیم مواجه می شود. پس تمام اقشار "تحت ستم" در یک جبهه قرار می گیرند و عمال سرکوبگر رژیم در جبهه ی مقابل و برخورد رژیم در سرکوب همه ی آن ها یکسان است. از این رو، منطق ایجاب می کند که این اقشار در هنگام مبارزه، متحدانه عمل کنند و در برابر رژیم سنگری بزرگ تر و محکم تر بسازند.

در مبارزات دانشجویی و کارگری امسال، ما در نهایت شاهد پشتیبانی دانشجویان از کارگران و کارگران از دانشجویان بوده ایم: هنوز حرارت مراسم بالنده دانشجویی ۱۶ آذر با پشتیبانی کارگران ایران خودرو در وجود هیچ مبارزی انقلابی نخواستیده است.

از این رو، روز ۸ مارس امسال، بهترین فرصت است برای یک اتحاد عمل بین کلیه ی نیروهای مترقی دانشجو و کارگر با زنان مبارز و پیشرو. برپایی تظاهراتی در دفاع از حقوق انسانی و دموکراتیک زنان با حضور کلیه ی کارگران پیشرو و مبارز (اعم از زن و مرد) و حضور کلیه ی دانشجویان پیشرو (اعم از زن و مرد) می تواند این روز را به روز مبارزه برای آزادی و دفاع از حقوق دموکراتیک کلیه ی اقشار جامعه از شهرهای بزرگ گرفته تا دورافتاده ترین مناطق کشور، تبدیل نماید. شعار برابری حقوق زن و مرد در برابر قانون و در کلیه ی امور اجتماعی که در چنین تظاهراتی عنوان گردد، اولین شوک سیاسی را بر پیکر رژیم می زند. البته این که این شعارها بهتر است دقیقاً چه باشد را می توان به بحث گذاشت و نهایتاً تصمیم را خود برگزارکنندگان مراسم می گیرند.

ضربه ای که در چنین روزی و به این نحو به رژیم می خورد، روحیه ی کلیه ی اقشار تحت ستم را تحت تأثیر مثبتی قرار داده و از انگیزه به توانی بالفعل تبدیل می کند.

زنده باد تمام مبارزات رهایی بخش زنان

زنده باد تمام مبارزات اقشار تحت ستم

زنده باد اتحاد بین اقشار تحت ستم

سارا قاضی

۲۶ بهمن ۱۳۸۵

۱۵ فوریه ۲۰۰۷

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری